

پژوهشی پیرامون مالیت «ارزهای رمزنگاری شده»

دکتر جواد سلطانی فرد

استادیار دانشگاه شهید مطهری (ره)

j.soltani.f@gmail.com

چکیده

نوع تازه‌ای از پول‌ها که امروزه در مبادلات اقتصادی دنیا مورد توجه قرار گرفته، «ارزهای رمزنگاری شده» است که به جهت نوظهور بودن، ابهامات متعددی در مورد ماهیت آن‌ها وجود دارد که موجب سردرگمی جامعه شده است. «مالیت داشتن» عوضین- که یکی از شروط صحت شرعی بیع است- یکی از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه مشروعیت معاملات رمز ارزهاست. پژوهش حاضر ضمن تأکید بر آراء امام خمینی (ره) با روش توصیفی-تحلیلی به این یافته‌ها دست می‌یابد که اولاً مالیت امری عرفی-انتزاعی و برآمده از رغبت عقلانی بوده است؛ ثانیاً ملاک مالیت در پدیده رمز ارز وجود دارد؛ چه، به دلیل سهولت بیشتری که معامله با رمز ارز دارد، شاهد افزایش روزافزون تقاضا نسبت به آن در سرتاسر جهان هستیم، از همین روی، می‌توان رمز ارز را مال دانست؛ ثالثاً امکان ندارد شارع چیزی را از مالیت بیندازد، بلکه تنها می‌تواند مانع ترتب آثار آن (مانند انتقال مالکیت شراب) شود، به همین جهت برخلاف نظر برخی از فقها، منهی عنه نبودن چیزی، از مقومات مالیت آن چیز به شمار نمی‌رود؛ لذا بررسی موانع صحت شرعی معاملات رمز ارزها همچون «اکل مال به باطل بودن آن» یا «غرری بودن معامله آن» - که در سه بخش حکم اولیه، ثانویه و حکومتی تبیین شد - باید در جستارهای دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه: مالیت، مال، ارزش مبادلی، رمز ارز، ارز دیجیتال، امام خمینی (ره)

مقدمه

گذشت زمان و تغییراتی که در سبک زندگی مردم اتفاق می‌افتد، چالش‌های جدیدی پیش روی فقها می‌گذارد که در گذر این تغییرات، فقها بار دیگر به بررسی مبانی استنباط احکام پرداخته و حکم مسائل مستحدثه را استنباط می‌نمایند. انسان بعد گذراندن سبک‌های زندگی مختلف، این بار وارد عصر سرعت شده است و به ناچار در تطبیق با این شرایط، رو به زندگی الکترونیک آورده است. این نوع زندگی در بدو خیزش، چالشی قابل تأمل با خود به همراه آورده است در این جهان الکترونیک، دیگر خبری از پول‌های کاغذی و حتی طلا برای خرید و فروش، نخواهد بود و این ارزهای دیجیتال هستند که سعی می‌کنند خود را مبنای مبادلات قرار دهند. ارز دیجیتال (Digital currency) که به آن پول دیجیتال و ارز الکترونیک هم گفته می‌شود، تنها به شکل دیجیتال وجود دارند و تفاوت آن‌ها با ارزهای فیزیکی در این است که تراکنش‌های انتقال سرمایه به صورت آنی و

بدون مرز و واسطه بین افراد انجام می‌گیرد. ارزهای مجازی و رمز ارزها نوع دیگری از ارزهای دیجیتال هستند که درگذر زمان با قابلیت‌های خاص به وجود آمدند. در میان این ارزهای دیجیتال، رمز ارزها نیاز به بررسی بیشتری دارند. در طراحی رمز ارزها از فناوری رمزنگاری و بلاک چین استفاده شده است و توسط هیچ حکومت، سازمان یا ارگان خاصی کنترل نمی‌شوند رمز ارزها به صورت جدی در سال ۲۰۰۹ با بیت کوین به جهان عرضه و با استقبال نسبی مردم مواجه شدند به طوری که در سال ۱۳۹۹ ارزش این ارزها به بیش از ۹۵۰ میلیارد دلار رسیده است. قابلیت‌های خاص این رمز ارزها، فقها را با چالش‌هایی روبرو کرده است. برای اینکه این رمز ارزها بتوانند به عنوان عوض در معاملات قرار گیرند به ناچار باید مالیت داشته باشند. در این جستار، برآنیم به بررسی مالیت این رمز ارزها نزد فقها با تأکید بر تعریف امام خمینی (ره) از مالیت، پردازیم.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه ارزهای دیجیتال بحثی نوین به حساب می‌آید در این زمینه مقاله پایان‌نامه و کتاب‌های چندانی نگاشته نشده است. بیت کوین به زبان ساده (هافمن)، ارزهای دیجیتالی بیت کوین بلاک چین و مفاهیم پایه (پیمان اخوان)، جویندگان بیت کوین (ماهنامه شبکه)، همه چیز درباره بیت کوین (ماهنامه شبکه) کتاب‌هایی است که در این موضوع وجود دارد که در آن‌ها به تاریخچه، فرآیند تولید، مبادله، معرفی برخی از صرافی‌ها، چگونگی کار در این بازار و تاحدی جایگاه این ارزها در نظام پولی جهان پرداخته شده است.

سه مقاله نیز مرتبط به بحث حاضر وجود دارد؛ بررسی فقهی پول مجازی (سلیمانی پور) یکی از این مقالات است که در آن به برخی از چالش‌های احتمالی در مشروعیت پول مجازی را مطرح پرداخته و مهم‌ترین معضلات مشروعیت پول‌های مجازی را ورود آن به عرصه حقیقی دانسته‌اند نویسندگان مقاله با استناد به قاعده لاضرر احترام اتلاف و مصلحت بر ممنوعیت شرعی استفاده از این ارزها مادام که دولت سیاست‌های پولی مناسبی برای آن نیندیشیده استدلال کرده‌اند. تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده مورد مطالعه بیت کوین (نواب پور) نیز مقاله‌ای دیگر در این زمینه است که ابتدا ساختار و سازوکار بیت کوین را بررسی کرده و با اتکا بر موضوع شناسی انجام شده پرسش‌های متعددی در رابطه با پول، معامله و استفاده از استخراج پول رمزنگاری شده مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ داده است در این مقاله جوانب فقهی این موضوع به صورت اجمالی بررسی شده و در ادامه نظر ۱۳ تن از مراجع تقلید در این زمینه را آورده است. آخرین مقاله‌ای که در زمینه ارزهای دیجیتال وجود دارد، بررسی فقهی استخراج و مبادله رمز ارزها با تمرکز بر شبکه بیت کوین (محسن خردمند) است. وی در این مقاله اشکالات قابل طرح در زمینه استخراج بیت کوین را مطرح و مشارکت با افراد ممنوع از تصرف را به عنوان تنها چالش پیش روی استخراج را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله بعدها به بررسی فقهی موضوع نیز می‌پردازد و اشکالاتی هم چون خروج ارز، اکل مال به باطل و قاعده لاضرر را به صورت اجمالی و هرکدام را در چند خط مورد بررسی قرار داده است.

در این میان، مقالاتی چند نیز نوشته شده است که در آنها به مسأله مالیت رمزارز پرداخته شده است، این پژوهش‌ها عبارتند از: «تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمزارزش‌ها در اقتصاد اسلامی» (کشاوری)، «نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارزها و معاملات آن» (علوی)، «مواجهه فقهی حقوقی با رمزارزها در مسیر جهانی شدن» (حبیبی دهکردی) و «بررسی فقهی رمز ارزها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله بودن و ساختار الکترونیکی آنها» (بیاتی). این مقالات با اینکه به مسأله مالیت رمزارز پرداخته‌اند و مالیت آنها را تا حدی پذیرفته‌اند، اما تفاوت آنها با پژوهش حاضر در آن است که اولاً معنای لغوی و اصطلاحی مال در کلام فقها در آنها به اجمال گزارش شده و در پی بازشناسی عناصر و مشخصات مال در کلام فقها نبوده‌اند، در حالی که این مقاله با نگاهی به مشخصات ذکر شده در کلام فقها، تعریف جدیدی از مال ارائه کرده و سپس به انطباق سنجی رمزارزها با آن پرداخته است. همچنین مقاله حاضر مسأله مالیت رمزارز را با نگاهی به اندیشه فقهی امام خمینی (ره) مد نظر قرار داده است، در حالی که چنین چیزی در هیچیک از پژوهش‌های انجام شده به چشم نمی‌خورد. به علاوه، در انتهای جستار حاضر شبهاتی که ممکن است در زمینه رمزارز مطرح شود، بیان شده و بدان‌ها پاسخ داده شده، در حالی که چنین چیزی در پژوهش‌های دیگر به چشم نمی‌خورد.

۲. مفهوم شناسی

۲/۱. ارز رمزنگاری شده^۱

«ارز رمزنگاری شده» یا «رمزارز» نوعی ارز مجازی است که در طراحی آن از فناوری رمزنگاری استفاده شده است. عملیات رمزنگاری با کد کردن اطلاعات از طریق الگوریتم‌های پیچیده ریاضی انجام می‌شود. رمزنگاری اطلاعات به افزایش امنیت رمزارزها کمک می‌کند. رمزارزها برخلاف ارزهای دیجیتال و مجازی، غیرمتمرکز هستند و توسط هیچ حکومت، سازمان یا ارگان خاصی کنترل نمی‌شوند و هیچ شخص یا نهادی توان کنترل یا دست‌کاری در آن‌ها را ندارد (اخوان، ۱۳۹۸، ص. ۶۷). ارزهای رمزنگاری شده دو گونه‌اند.

۲/۱/۱. کوین^۲

کوین‌ها نوعی پول دیجیتال هستند که با استفاده از روش‌های رمزنگاری خلق می‌شوند. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «بیت‌کوین» اشاره کرد که بر اساس فناوری «بلاک‌چین» ساخته شده است. بلاک‌چین سامانه عمومی و توزیع‌شده‌ای است که تمام معاملات کوین‌ها را به صورت شفاف ثبت و نگهداری می‌کند. داده‌های بلاک‌چین توسط شرکت‌کنندگان در شبکه به اشتراک گذاشته و از امنیت و صحت آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود. بلاک‌چین جلوی تقلب و دست‌کاری داده‌ها را می‌گیرد. بیت‌کوین نخستین ارز دیجیتال شناخته شده در جهان است و پس از آن نیز انواع مختلفی از ارزها تولید شده است. هر ارز

دیجیتالی را که پس از بیت کوین روانه بازار شده است، «آلت کوین»^۱ یا «سکه جایگزین» می نامند. سرعت بالاتر، هزینه پایین تر، امنیت بیشتر و حریم خصوصی بالاتر نسبت به بیت کوین از ویژگی های این کوین است. آلت کوین ها خود به دو دسته تقسیم می شوند؛ برخی از آن ها مانند «اتریوم» و «ریپل» از فناوری بلاک چین مخصوص به خود استفاده می کنند و برخی دیگر مانند «لایت کوین»^۲ و «بیت کوین کش»^۳ از دستورالعمل بیت کوین که ساتوشی ناکاموتو طراحی کرده است، نشئت گرفته اند. قابلیت تبادل، تقسیم پذیری، قابل حمل بودن، ماندگاری، محدود بودن، و سیله پرداخت بودن در خرید و فروش، بلاک چین اختصاصی داشتن و قابلیت استخراج از جمله ویژگی های کوین هاست. این پول ها دارای زنجیره بلاک خودشان هستند و به عنوان ارز آن زنجیره شنا سایی می شوند. پول های یاد شده در صورت استفاده از فناوری بلاک چین قابل استخراج هستند و قصد دارند در آینده جایگزین پول فیات شوند و همه می توانند از آن ها استفاده کنند و اختصاص به گروه خاصی ندارد (زمانی فراهانی، ۱۳۸۹، صص. ۳۴-۳۸؛ حاجی حاجی ملامیرزایی و همکاران، صص. ۴۸-۵۰).

۲/۱/۲. توکن^۴

توکن ها نوعی دارایی دیجیتال هستند که برای پروژه های خاص به عنوان روش پرداخت، درون اکو سامانه پروژه صادر می شوند و عملکرد یکسانی با کوین دارند و تفاوت اصلی در این است که به دارندگان این حق را می دهند تا در شبکه مشارکت کنند. توکن ها ممکن است برای اهداف مختلفی طراحی شوند مانند نشان دادن دارایی دیجیتال، واحد ارزش، سهم شرکت، دسترسی به کارکردهای پروژه و... برای مثال، بلیت استخراج توکنی در دنیای واقعی است که فقط در زمان و محل مشخص شایان استفاده است و نمی توان آن را مثلاً برای خرید لباس استفاده کرد. توکن های دیجیتال هم همین طور هستند؛ تنها در پروژه خود قابل استفاده و معامله هستند (بامبارا، ۱۳۹۹، ص. ۸۱). کاربردهای گسترده تر نسبت به کوین، عدم قابلیت استخراج و استفاده از کوین برای خرید آن ها از ویژگی های توکن هاست.

در حال حاضر دسته بندی واحدی برای توکن ها وجود ندارد؛ گرچه کمیسیون بورس و اوراق آمریکا^۵ و اداره نظارت بر بازار مالی سوئیس^۶ برای رفع این مشکل تلاش هایی کرده اند. هر دو سازمان، توکن ها را به دو دسته گسترده تقسیم بندی کرده اند. الف. توکن های سهام یا توکن های سرمایه ای و ب. توکن های خدماتی (حاجی ملامیرزایی و همکاران، ص. ۵۰؛ هلاکویی و محمدی، ۱۳۹۹، ص. ۸۱).

ارزها انواع مختلفی دارند که در نمودار زیر (نک: ملامیرزایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸) قابل مشاهده هستند.

۱. «آلت کوین» (Altcoin) ترکیبی از دو کلمه «آلترناتیو» (Alternative) به معنای جایگزین و «کوین» (Coin) به معنای سکه یا ارز است. به تمام رمزارزها به جز بیت کوین، آلت کوین گفته می شود.

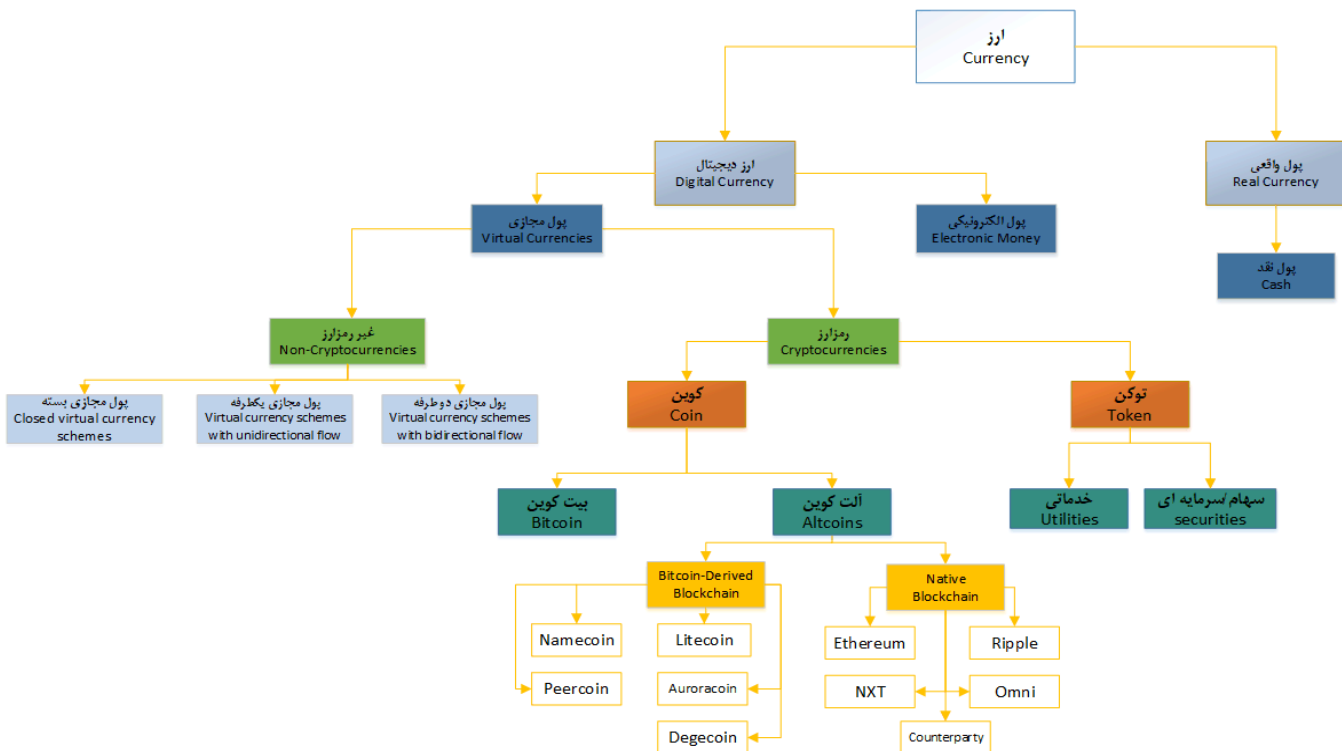
۲. «لایت کوین» نسبت به «بیت کوین» سرعت تولید بلاک، سطح دشواری استخراج و تعداد کل سکه ها را تغییر داده است. (<https://arzdigital.com/what-is-an-altcoin>)

۳. در «بیت کوین کش»، اندازه حجم هر بلاک ۸ مگابایت است در حالی که اندازه هر بلاک بیت کوین ۱ مگابایت است.

4. Token

5. SEC

6. FINMA



نمودار ۱ / دسته‌بندی انواع ارز

۲/۲ مال

۲/۲/۱ در لغت

«مال» اجوف واوی از ریشه «مول» بوده و جمع مکسر آن «اموال» است.^۱ برخی از لغویان همچون فراهیدی، جوهری و فیومی، مال را چیزی شناخته شده و بی نیاز از تعریف دانسته و نهایتاً به برخی از مصادیق آن اشاره کرده‌اند.^۲ ابن منظور در لسان العرب ضمن اشاره به معروف بودن معنای مال، آنچه را تملک پذیرد، مال نامیده است.^۳ ابن اثیر معتقد است که «مال» در آغاز بر آنچه انسان از طلا و نقره مالک می‌شد، اطلاق می‌شده است، سپس گستره‌ای عام یافته و شامل تمامی اشیای تحت مالکیت انسان گردیده است.^۴ این واژه در نزد عرب بیشترین کاربرد را در شتر داشته؛ زیرا بیشترین اموال آن‌ها بوده یا آنکه حامل دارایی‌هایشان بوده است.

۱ ابن منظور، لسان العرب، ۶۳۵/۱۱. برخی به اشتباه «مال» را اجوف یائی و از ریشه «میل» به معنای «برگردیدن و عدول به یک‌طرف» دانسته و وجه تسمیه متعلقات انسان به مال را از آن جهت دانسته‌اند که مال پیوسته مانل و زائل است و از این گروه به آن گروه میل می‌کند (نک: راغب اصفهانی، مفردات، ۷۸۳ و ۷۸۴؛ لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۳۱۲۶).

۲ فراهیدی، ۳۴۴/۸؛ جوهری، ۱۸۲۱/۵؛ فیومی، ۵۸۶/۲.

۳ ابن منظور، لسان العرب، ۶۳۵/۱۱.

۴ ابن اثیر، النهاية، ۳۷۳/۴.

فقهایی که به ارائه تعریفی از مال پرداخته اند، در این زمینه با یکدیگر هم‌داستان نبوده و معمولاً هر کدام مشخصات و مقوماتی را برای مال برشمرده اند. با فحوصی که در کلام آنان صورت گرفت، جهت رعایت اختصار، جمع بندی آنچه به عنوان مقومات مال ذکر شده است را می‌توان اینگونه در کنار هم قرار داد و گفت:

«مال»، یک اعتبار عقلانی بوده^۱ که تکویناً قابلیت ذخیره‌سازی و عقلاً قابلیت اقتناء (نگهداری) و اختصاص داشته^۲ و دارای منفعت عقلایی است^۳ که در اثر آن عقلاً به جهت رفع نیازهای دنیوی و اخروی خود^۴ بدان میل و رغبت دارند.^۵ گفتنی است فرقی ندارد که نیازهای انسان به مال، بالذات (مانند غذا) باشد یا بالعرض (مانند پول)؛^۶ همچنان که فرقی ندارد نیاز بالذات، اولی باشد (مانند غذا) یا عارضی و ثانوی (مانند دوا) یا اساساً رفاهی و برای به دست آوردن لذت باشد (مانند بعضی از میوه‌ها).^۷ باید توجه داشت که صرف موارد گفته شده برای مال بودن چیزی کافی نیست، بلکه دو شرط دیگر نیز لازم است؛ اول آنکه آن چیز نباید به گونه‌ای باشد که به خاطر فراوانی اش همچون آب در کنار رودخانه^۸ یا به خاطر کمی ارزش آن همچون یک دانه گندم^۹ عقلاً حاضر به پرداخت مال در مقابلش نباشند. دوم آنکه نباید در شریعت از آن چیز نهی شده باشد (مانند شراب).^{۱۰}

۱- حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۲- خمینی، الرسائل، ۳۷/۱؛ خوئی، المستند، ۴۲/۲؛ محقق اصفهانی، نهاية، ۱۰/۳؛ نائینی، الرسائل، ۱۷۹/۲.

۳- علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۳۵/۱۰؛ شهید اول، الدروس، ۳۲۸؛ جواهر، ۳۴۳/۲۲؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۸/۱۳؛ اردبیلی، مجمع الفائدة، ۸/

۵۳؛ نراقی، وسیلة، ۴۰/۱؛ ایروانی، تمهیدیه، ۱۶۵/۱.

۴- ایروانی، تمهیدیه، ۱۶۵/۱.

۵- خمینی، الرسائل، ۳۷/۱؛ خوئی، المستند، ۴۲/۲؛ محقق اصفهانی، نهاية، ۱۰/۳؛ حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۶- ایروانی، تمهیدیه، ۱۶۵/۱.

۷- حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۸- نائینی، الرسائل، ۱۷۹/۲؛ حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۹- نائینی، الرسائل، ۱۷۹/۲.

۱۰- نائینی، الرسائل، ۱۷۹/۲.

۳. بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) در مسأله

با اینکه از نظر برخی از فقها مال، چیزی است که دارای «منفعت عقلانی» باشد،^۱ ولی امام خمینی (ره) در تعریف خود از مال به ملاک «مورد رغبت عقلا بودن» اشاره کرده و معتقد است مال، آن چیزی است که عقلا بدان میل و رغبت داشته باشند (ما یرغب فیه العقلاء) و در ازای آن بها پردازند.^۲

ملاک «مورد رغبت عقلا بودن» دقیق تر از مشخصه «منفعت عقلانی داشتن» است؛ توضیح آنکه صرف برخورداری چیزی از منفعت عقلانی برای مالیت و ارزش آن کافی نیست؛ زیرا چیزهایی مانند هوا باینکه منفعت عقلانی و حیاتی دارند، اما در عرف مال محسوب نمی شوند و کسی حاضر نیست در حالت عادی - که در دسترس همگان است - برای تحصیل آن چیز ارزشمندی دهد. پس در کنار وجود منفعت عقلانی عواملی همچون کمیابی و ندرت نسبی نیز برای مرغوب فیه بودن لازم است.

برخی معتقدند اساساً آنچه در تشخیص مالیت و ارزش چیزی اهمیت دارد، وجود رغبت است، نه منفعت؛ زیرا ممکن است در مواردی چیزی همچون سیگار منفعت نداشته باشد (بلکه ضرر محض است) اما مورد رغبت مردم باشد و مال محسوب شود. اینان معتقدند در مثال سیگار، منفعتی که وجود دارد، منفعتی موهوم است، نه منفعت واقعی و عقل آن را تصدیق نمی کند.^۳

حال این پرسش مطرح می شود که اگر نسبت به چیزهایی همچون سیگار رغبت وجود داشت، اما در آنها، منفعت نبود، آیا این موارد مالیت و ارزش دارند یا خیر؟ حق آن است که رغبت تابع منفعت است و نمی توان موردی را تصور کرد که منفعت نداشته باشد اما مورد رغبت باشد (و لو برای یک شخص). در باره مثال سیگار نیز باید گفت که اتفاقاً مصرف آن برای خریدار منفعت روحی دارد، چراکه موجب آرامش خاطر او و مواردی از این قبیل می شود؛ به دیگر بیان، پیش از این اشاره شد که منفعت معنای وسیعی دارد، گاهی چیزی موجب رفع نیاز اولی می شود (مانند خوراک)، گاهی موجب رفع نیاز ثانوی می شود (مانند دارو) و گاهی از باب لذت بردن است (مانند سیگار)؛ شهید مطهری (ره) در تعریف خود از «مال» به نوعی به این مطلب اشاره کرده و می گوید:

«ثروت یا مال عبارت است از هر چیزی که یکی از حوائج طبیعی یا اعبای،

ضروری یا تجملی بشر را برآورد.»^۴

^۱ نک: شهید اول، الدروس، ۱۶۷/۳؛ نجفی، جواهر، ۳۴۳/۲۲؛ انصاری، ۹/۴؛ حسینی عاملی، ۸/۱۳؛ اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۳/۸.

^۲ خمینی، کتاب البیع، ۳۷/۱.

^۳ درس خارج فقه ترابی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۸.

^۴ مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۴۵.

در این مورد نیز مصرف سیگار برای عده‌ای لذت بخش است، بنابراین سیگار منفعت دارد؛ به دیگر بیان، منفعت اعم است از منفعت واقعی و منفعت موهوم (مصرف سیگار در واقع برای بدن ضرر دارد، اما خریدار آن را دارای منفعت تصور می‌کند و به تبع برای به دست آوردن آن رغبت دارد).

از همین باب می‌توان اشکالی را به کلام امام خمینی (ره) وارد ساخت، زیرا ایشان معتقد است چیزی که مطلقاً منفعتی نداشته باشد، اگر در خرید و نگهداری آن یک غرض سیاسی یا غیر سیاسی از اغراض عقلایی وجود داشته باشد، موجب رغبت مردم به خرید آن می‌شود و همین تقاضا منشأ به وجود آمدن مالیت در آن شیء می‌گردد (خمینی، مکاسب، ۱/۱۶۴). اشکال این سخن آن است که همانطور که گفته شد، اگر رغبتی نسبت به چیزی وجود داشت، به جهت وجود منفعت در آن چیز بوده است، خواه منفعت ذاتی باشد، خواه عارضی یا اساساً رفاهی و تجملی؛ پس اگر غرضی به چیزی که به نظر می‌آید منفعتی ندارد، تعلق بگیرد، در واقع همین را می‌توان نشانگر وجود منفعتی در آن شیء به حساب آورد. بنابراین به نظر می‌رسد نمی‌توان وجود رغبت را بدون وجود منفعت در نظر گرفت.^۱

امام خمینی خود در تأثیر منفعت در رغبت عقلا می‌نویسد:

«وجود منفعت باعث تبدیل شیء به مال به طوری که مردم در قبال آن حاضر به پرداخت مال هستند می‌شود. و وقتی وجود منفعت در آن فرض شود، موجب رغبت به آن و مالیتش می‌شود.»^۲

البته باید در نظر داشت هر منفعتی لزوماً رغبت را به دنبال ندارد؛ زیرا ممکن است چیزی منفعت داشته باشد، اما مثلاً به دلیل فراوانی و در دسترس بودن آن، رغبتی برای به دست آوردن آن وجود نداشته باشد؛ مانند آب در کنار رودخانه.^۳ به هر ترتیب، وجود منفعت عقلانی برای تحقق مالیت چیزی، شرط لازم است نه کافی.

ناگفته نماند بعد از آنکه امام خمینی رغبت عقلا را پایه و اساس مالیت شیء قرار می‌دهد، می‌نویسد:

«مقصود از عرف عقلا عرف اهل تسامح نیست بلکه مقصود عرفی است که در تشخیص مفاهیم و مصادیق دقیق باشد و تشخیص چنین عرفی میزان در موضوع احکام است.»^۴

با روشن شدن مبنای امام در این مسئله و با بررسی ملاک‌های اهل دقت و نظر برای رغبت به اشیاء، به نظر می‌رسد قیودی همچون وجود منفعت عقلانی و ندرت نسبی در کنار آن باید وجود داشته باشند تا چیزی مورد رغبت عقلا قرار گرفته و ارزش مبادلی داشته باشد و نسبت به آن، دو عنصر عرضه و تقاضا شکل گیرد.

^۱ نک: صدر، اقتصادنا، ۲۲۳.

^۲ خمینی، الرسائل، ۱۳۲/۱.

^۳ ممکن است در اینجا اشکالی نسبت به پول - که امری اعتباری است - مطرح شود و آن اینکه مثلاً اسکناس، کاغذی بیش نیست و منفعت ذاتی (ارزش مصرفی) ندارد و صرفاً دارای ارزش مبادلاتی است، آیا نباید آن را مال به حساب آورد؟ پاسخ آن است که ارزش مبادلاتی مواردی مانند پول نیز بر پایه منفعتی است و آن عبارت است از «وسیله مبادله بودن.» پول ابزاری است برای مبادله که عقلا برای گذران امورشان به آن نیاز دارند؛ به همین جهت، «وسیله مبادلاتی بودن» منفعت آن به حساب آمده و موجب پیدایش ارزش مبادلاتی برای آن می‌شود؛ یعنی ارزش مبادلاتی ناشی از وسیله مبادلاتی بودن هست.

^۴ خمینی، الرسائل، ۲۲۷/۱.

صدر در تشریح این مقوله در تأثیر رغبت عقلا به خرید و فروش یک شی و در نتیجه مالیت داشتن آن، می نویسد:

«منفعت استعملی اگرچه اساس اصلی میل و رغبت است، بلکه درجه رغبت هم نسبت مستقیم با منفعت دارد. هرگاه کالا منفعتش بیشتر باشد، تمایل به آن بیشتر است. از سوی دیگر درجه این میل و رغبت، نسبت عکس با امکان دستیابی به آن کالا را دارد. بنابراین هرگاه امکان دستیابی به خاطر فراوانی آن بیشتر باشد، شوق و رغبت به آن کالا کمتر شده، در نتیجه قیمت پایین می آید. و واضح است که امکان دستیابی به کالا تابع کمیابی و فراوانی آن است. گاهی شیء به صورت طبیعی فراوان است، به حیثی که بدون هیچ تلاشی امکان دستیابی به آن وجود دارد مثل هوا. در این حالت قیمت تبدلی به خاطر عدم رغبت به آن به صفر می رسد. و هرگاه امکان دستیابی به شیء به خاطر کمیابی آن کاهش یابد، رغبت در آن بیشتر شده و موجب افزایش قیمت می گردد.»^۱

پس صرف وجود غرض عقلانی ولو شخصی، برای انطباق عنوان مال کافی است؛ یعنی عقلا آن غرض را بپسندند. بین شخصی بودن و نوعی بودن و عقلایی بودن و غیر عقلایی بودن فرق است.

نکته مهم دیگر آنکه اگر منظور از منفعت عقلانی در کلام فقها، فراگیری در میان تمامی عقلا باشد، نمی توان آن را دخیل در تحقق مالیت چیزی دانست؛ زیرا اگر کسی مثلاً حاضر باشد در ازای به دست آوردن فلان یادگاری جد اعلائی خود که نزد دیگری بی ارزش است، مبلغ زیادی بپردازد، این معامله نزد عقلا صحیح است (نک: منتظری، دراسات فی المکاسب ۴۲۳/۲)؛ یعنی با اینکه عموم عقلا به این یادگاری خاص رغبت و تمایلی ندارند، اما آن شخص را به خاطر پرداخت هزینه رد قبلا به دست آوردن آن، تخطئه نمیکنند؛ اما اگر منظور رفتاری عاقلانه و غیرسفهی است (هرچند شخصی بوده و فراگیر نباشد، یعنی اگر عقلا در جایگاه آن فرد خاص قرار گیرند، آن را بپسندند و ممکن است همان رفتارها و روابط را داشته باشند)، مطلب صحیحی است؛ بنابراین می توان گفت غرض عقلانی لزوماً به معنای غرض عمومی نیست و صرف وجود غرض عقلانی ولو شخصی، برای انطباق عنوان مال کافی است. امام خمینی (ره) در این باره می نویسد:

«بر فرض که در صدق بیع، مالیت عوضین معتبر باشد، شرط نیست که نزد نوع عرف [و تمامی

عقلا] مال باشد، بلکه اگر شیء در نگاه گروهی یا در یک ناحیه ای دارای خاصیت باشد، بیع آن

صحیح است.»^۲

بنابراین باید میان شخصی بودن و نوعی بودن و عقلایی و غیر عقلایی بودن تفاوت قائل شد. نگارنده بر آن است که مالیت از عناوین انتزاعی است^۳ و روش شناخت عناوین انتزاعی که از نحوه ارتباط انسان با اشیای خارجی انتزاع می گردد، روش خاصی است که خلاصه آن عبارت است از تحلیل روانی رفتار عرف و عقلا و کشف ارتکازات ذهنی آن ها در ارتباط با اشیای خارجی. در مورد عنوان مالیت هم باید از همین روش استفاده نمود تا ارتکازات ذهنی عرف و

۱- صدر، اقتصادنا، ۱۹۸.

۲ خمینی، کتاب البیع، ۸/۳.

۳ نک: خویی، مصباح، ۲/۳ و ۴۲/۲؛ مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۱۱۶/۱.

عقلا را در ارتباط با اشیای خارجی به دست آورد. از همین روی، برخی از فقها درصدد آن برآمده‌اند که این ارتکازات را ضابطه‌مند نموده و به‌عنوان تعریف یا بیان ماهیت «مال» ارائه کنند. تعاریفی که افراد از دیدگاه‌های مختلف اما با روش یاد شده برای عنوان مال و مالیت ارائه داده‌اند، واقعی‌تر می‌نماید.

به نظر می‌رسد - همانگونه که لغت‌دانان نیز گفته‌اند که «المال معروف» - مال برای عرف مفهومی روشن و واضح داشته و برای تعریفی مانع و جامع از آن، نیازی به این همه تکلف و خود را به‌زحمت انداختن نیست؛ زیرا مردم در زندگی روزمره خود، معمولاً بدون آنکه با مشکلی در این زمینه مواجه شوند، مال را تشخیص می‌دهند. پیش‌ازین نیز گفته شد که در کتب فقهی هم نوعاً به مفهوم شناسی «مالیت» و «مال» نپرداخته‌اند که این مطلب نشانگر آن است که مال در اصطلاح فقها چندان تفاوت معنایی با مال نزد عرف و اهل لغت نداشته است. شاهد این مطلب آن است که از نظر زمانی، معمولاً هر چه به عقب برگشته و به کتب فقها مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که تعاریف و بیاناتی که برای ما ذکر کرده‌اند ساده و بسیط است و هر چه به زمان‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، تعاریف و مشخصات ذکر شده پیرامون مال گسترده‌تر و بعضاً پیچیده‌تر شده است.

شاید به خاطر چنین وضوحی است که برخی از فقها در تعریف مال گفته‌اند: «المَالُ مَا يُبَدَّلُ بِإِزَائِهِ الْمَالُ» (مال، چیزی است که به ازای آن، مال داده می‌شود)؛^۱ یعنی اگر در مقابل چیزی، چیز دیگری که مالیت دارد بذل شود، آن چیز اول مال به حساب می‌آید.

مؤید عرفی بودن معنای مالیت آن است که امام خمینی (ره) معتقد است نهی شارع از چیزی همچون شراب موجب از بین رفتن مالیت آن چیز نمی‌شود، بلکه موجب می‌شود که آن چیز، دست‌کم برخی از آثار مال را نداشته باشد و مثلاً معامله آن جایز نباشد.^۲

نگارنده در جستار دیگری تعریف زیر را از مالیت ارائه داده است:

«مال چیزی است که در نزد همه یا برخی از مردم دارای ارزش مبادلی باشد.»

این تعریف ضمن اشاره به مسأله اعتبار شخصی بودن منفعت و همچنین عرفی بودن مفهوم مالیت، می‌تواند بسیاری از مشخصاتی که فقها در تبیین معنای مال بیان کرده‌اند (همچون مورد نیاز بودن، منفعت عقلانی داشتن، کمیابی نسبی، قابل اختصاص بودن و در نهایت، مورد رغبت بودن) را در برگیرد، در عین آنکه از تکلفات بی‌مورد نیز به دور است. بر اساس این تعریف، با وجود دو عنصر عرضه و تقاضا و نیز تحقق معاوضات عرفیه است که می‌توان برای یک چیز، قائل به ارزشمندی آن در مبادلات شده و مالیتش را احراز نمود.

۴. بررسی ارزش مبادلی (مالیت) کوبین‌ها

همانطور که گفته شد، مال چیزی است که دارای ارزش مبادلی باشد و طبیعی است که چنین ارزشی از تمایل و رغبت مردم یا دست‌کم برخی از آنان به آن چیز نشأت می‌گیرد؛ هر چند که تحقق رغبت نیز خود از عواملی همچون منفعت داشتن و در

۱. میرزای شیرازی، حاشیه مکاسب ۱۰۲/۲؛ نک: نائینی، منیة الطالب، ۳۳۹/۱؛ آغاء ضیاء حاشیه مکاسب، ۶۶.

۲. نک: امام خمینی، کتاب البیع، ۹/۳ و ۱۰.

دسترس همگان نبودن ناشی می شود. با حفظ این نکته، باید دانست که امروزه تمایل و رغبت جمع زیادی از عقلا به پدیده نوظهور «ارزهای رمزنگاری شده» و مشخصاً انکارناپذیر است. میلیونها نفر از مردم جهان چه با استخراج و چه با معامله به دنبال دریافت بیت کوین هستند. ارزش کنونی معاملات رمزارزها در بازار، صدها میلیارد دلار و حجم مبادله بیت کوین ده ها میلیارد دلار است. پس بدون هیچ شکی تسابق دست کم بخشی از مردم نسبت به دریافت بیت کوین ثابت است و در نتیجه، آن را می توان یکی از مصادیق بارز مال به شمار آورد.

برخی از مهم ترین منافع که ارزهای رمزنگاری شده دارد و موجب شده تا تمایل مردم به سمت آنها صورت بگیرد عبارت است از:

الف. هزینه عملیاتی پایین: یکی از معایب نظامهای متعارف پرداخت در سطح بین المللی، هزینه های معاملاتی^۱ بالایی است که توسط نهادهای واسط دریافت میگردد؛ اما در نظام نوین پرداخت رمزارزها، به دلیل فقدان نهادهای واسط، هزینه های معاملاتی بسیار اندکی وجود دارد و هر فردی بدون نیاز به پرداخت کارمزد مازاد میتواند وجه خود را انتقال دهد.^۲

ب. سرعت بالا در انتقالات بین المللی و فرامرزی: انتقالات در این سیستم به صورت فرد به فرد صورت می پذیرد و به طور میانگین در کمتر از ۱۰ دقیقه وجه از حساب فردی به فرد دیگر منتقل میشود. در صورت نیاز به سرعت بالاتر، هر فرد میتواند با تعریف کارمزدی برای تراکنش خود سرعت انتقال وجه خود را افزایش دهد. درحالی که در سیستم کنونی، سرعت انتقال وجه به دلیل وجود واسطه های مالی متعدد بالاتر است.^۳

ج. ناتوانی دولتها در مصادره و بلوکه کردن: در بسیاری از کشورها در شرایط خاص سیاسی و اقتصادی، دولتها به مصادره اموال و دارایی های اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام میکنند و همچنین در وضعیت تخاصم میان کشورها (همانند تنش های میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا) بلوکه کردن اموال امری متداول است. این عدم امنیت در ساختار رمزارز وجود ندارد و حقوق مالکیت اشخاص و دولتها مورد تعرض و دخالت دیگران قرار نمیگیرد.^۴

د. امکان رهگیری و شفافیت: به دلیل استفاده از بستر زنجیره بلوکی، قابلیت رصد و رهگیری مبادلات در رمزارزها از جمله مزایای آنهاست که در عین نامشخص بودن فرستنده و گیرنده، رهگیری یک بیتکوین از ابتدا تا انتها، میسر خواهد بود.

۱ Transaction Cost (Fee)

۲ بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۵: ۱۹.

۳ مقامات بانکی اروپایی، ۲۰۱۴: ۱۷.

۴ البته این مورد میتواند از منظر دیگر، به عنوان یک چالش محسوب شود. برای مثال دولت از باز پس گرفتن اموال از غاصبین و متخلفان ناتوان خواهد بود.

۵ Transparency

هـ. امکان انشعاب^۱ و ارتقای پروتکل: در شبکه رمزارزها اگر چنانچه قسمتی از اعضای شبکه تصمیم بگیرند که پروتکل نوشته شده را ارتقا دهند (برای مثال اندازه هر بلوک افزایش یابد)، میتوان تغییر مد نظر را اعمال کرده و از سیستم موجود جدا شده و ارز دیگری از آن زنجیره به بعد ایجاد کنند؛ همانند بیتکوین کش^۲ که شاخهای ارتقا یافته از بیتکوین است.

و. مزیت نسبی استخراج بیتکوین و برخی از رمزارزها: به دلیل ارزان بودن انرژی در ایران نسبت به سایر کشورها، استخراج بیتکوین و برخی از رمزارزهای قابل استخراج صرفه بیشتری دارد و میتواند سودآوری قابل ملاحظه ای را برای کشور دربرداشته باشد و به نوعی صادرات انرژی محسوب میشود.

ز. عدم امکان جعل رمزارزها: یکی از چالشهای موجود در پولهای رایج کشورها، جعل و چاپ تقلبی این پولها بوده که مشکلاتی را برای سیستم مالی کشورها در دوره های مختلف ایجاد کرده است. ویژگی منحصر به فرد رمزینا ارزها عدم امکان جعل و چاپ تقلبی آنها بوده که مزیت مهمی برای این نوع از ارزها محسوب میشود.

در کنار این منافع عمومی، استفاده از رمزارزها منافع دیگری نیز دارد که به طور خاص می تواند نصیب کشور ما شود؛ مواردی همچون:

الف. آزادی در پرداخت و دسترسی بین المللی: در نظام پولی رمزارزها، پرداختها نظیر به نظیر صورت میگیرد و هیچ واسطهای در پرداخت وجود ندارد؛ به همین دلیل با این سیستم میتوان به هرکسی در هر جای دنیا بدون وجود کارمزد نهاد واسط و با سرعت، وجه دلخواه خود را پرداخت کرد (چون، ۲۰۱۵: ۱۴-۱۵). این قابلیت در کشوری مثل ایران به دلیل تحریمها و دخالتهای کشورهای بیگانه در تعاملات مالی در سطح بین الملل، میتواند مزیت منحصر به فردی به حساب آید و تحولی در نظام مالی کشور ایجاد کند. عدم خلق پول بی رویه در اقتصاد و کنترل تورم: با توجه به اینکه خلق پول براساس سازوکار تعریف شده در برخی رمزارزها همانند بیت کوین، امکان پذیر نیست و نیز این نوع پول به صورت غیرمتمرکز بوده و در اختیار بانک مرکزی قرار ندارد؛ لذا امکان خلق بی رویه پول و در نتیجه کاهش ارزش شدید آن و یا تورم افسارگریخته متصور نیست. به علاوه، در کشورهایی که بانک مرکزی از استقلال لازم برخوردار نبوده و سلطه مالی دولت وجود دارد، امکان گسترش حجم پول به واسطه کسری بودجه های دولت در اقتصاد وجود دارد که این مشکل در رابطه با این پول، مشاهده نمیشود.

ب. استفاده از رمزارز در شرایط تحریمی ایران: یکی از مزایای رمزارزها برای اقتصاد ایران، استفاده از آن در شرایط تحریمهای بانکی است؛ همانگونه که بیان شد رمزارزها نوعی ارز خصوصی محسوب شده و هیچ نهادی توانایی دخالت در تراکنشهای آن را ندارد. همچنین فرستنده و گیرنده در این سیستم غیرقابل شناسایی است و تحریمهای بین المللی نمیتواند در تعاملات مالی ایران از این طریق به راحتی اثرگذار باشد.

Fork ۱

۲ بیتکوین کش (Cash Bitcoin) یک ارز دیجیتالی و یک انشعاب از بیتکوین اصلی است که در آگوست ۲۰۱۷ ایجاد شد. این ارز دیجیتالی با افزایش اندازه بلوکها، این امکان را فراهم کرد تا تراکنشهای بیشتری در معاملات پردازش شوند.

ج. امکان ایجاد رمزارزهای منطقه ای و تسهیل در پیمانهای پولی دو و چند جانبه: امکان ایجاد رمزارز در محدوده جغرافیایی خاص، از دیگر فرصتهای آن خواهد بود که کشورها میتوانند از مزایای آن بهره ببرند. علاوه بر این، با توجه به گسترش پیمانهای پولی دو یا چند جانبه میان کشورها در سالهای اخیر و حذف تدریجی ارزهای واسطی مانند دلار و یورو در مبادلات برخی از کشورها، این امکان وجود خواهد داشت که با تعریف یک رمزارز مشترک جدید به جای استفاده از ارزهای ملی، سرعت این پیمانها و اثرگذاری آنها در اقتصاد افزایش یابد.

علاوه بر موارد گفته شده، استفاده از رمزارزها منافع دیگری همچون کاهش قدرت تحریم دلاری آمریکا علیه اقتصاد ایران، تسهیل در جهانی شدن کسب و کارهای داخلی و بهبود صادرات غیر نفتی و امکان افزایش سرمایه گذاری خارجی را به دنبال دارد.^۱

۵. پاسخ به چند شبهه

نسبت به مالیت ارزهای رمزنگاری شده شبهاتی مطرح شده که در اینجا مهم ترین آنها را ذکر کرده، سپس پاسخ خواهیم داد.

۱/ ۵. شبهه اول: بیت کوین مورد رغبت عمومی نیست

مال اعتباری عرفی از نوع عرف عام نیز محسوب نمیشود؛ بلکه فقط عرف خاص در رابطه با آنها وجود دارد که آنهم عمدتاً در بین سفته بازان با هدف کسب سود رایج است. این افراد نیز معمولاً دقتی در رابطه با پول، کالا، یا دارایی بودن رمزارزهای جهان روا ندارند و هدف آنها صرفاً کسب سود است. به عبارت دیگر، سفته بازان نوعی عرف بی توجه هستند و از رفتار آنها نمی توان دلالتی در رابطه با مالیت رمزارزها استخراج کرد؛ زیرا این افراد با دید مال بودن به خرید و فروش رمزارزهای جهانرو اقدام نمی کنند تا از رفتار آنها بتوان مال بودن را نتیجه گرفت. بلکه این معاملات معمولاً بدون توجه به ماهیت و مالیت رمزارزهای جهانرو و فقط با هدف کسب سود انجام میشود.^۲

پاسخ:

این اشکال نیز بسان شبهه قبل، هویت مال را وابسته به رغبت عمومی می داند، به علاوه، عرف خاصی را که در رابطه با رمزارزها وجود دارد نیز محرز مالیت آن نمی داند. در پاسخ به این شبهه لازم است به دو نکته توجه نمود: اولاً همانطور که گفته شد، وجود رغبت عقلانی نسبت به چیزی به معنای وجود رغبت بالفعل تمامی عقلاء به آن چیز نیست؛ بلکه اگر چیزی نزد برخی از عقلاء (حتی یک نفر) نیز مورد رغبت باشد، برای صدق عنوان مالیت بر آن شیء کافی است.

۱ ناگفته نماند در این مسیر چالشهایی همچون نوسانات قیمتی و بی ثباتی، فقدان قوانین و مقررات مشخص، مشخص نبودن هویت فرستنده و گیرنده، تضعیف بانک مرکزی و نهادهای واسط، امکان فرار مالیاتی و پولشویی و بروز مشکلات امنیتی وجود دارد که البته ربطی به مالیت ندارد (نک: طراحی چارچوب مفهومی ساینستگذاری ارزهای مجازی در اقتصاد ایران، ص ۶۱ به بعد)

۲ نک: میثمی، تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها، ۳۶.

ثانیا این ادعا که جمع محدود و اهل تسامح از مردم بدون توجه به مالیت اقدام به معامله بیت کوین می کنند نیز صحیح نیست؛ زیرا آنچه آشکارا می بینیم، گروه های زیادی از ملل و نحل گوناگون به استخراج بیت کوین و به ویژه مبادله آن راغب هستند. صرافی های متعدد، شرکتهای مختلف پذیرنده بیت کوین و وب سایت های خرید و فروش در نقاط مختلف دنیا که حجم معاملات و تراکنش های مربوط به بیت کوین گاهی به ده ها بلکه صدها میلیارد دلار می رسد، همه کاشف از این است که گروه زیادی از مردم و عقلا مالیت آن را پذیرفته اند.

۲/۵. شبهه دوم: انکار مالیت شرعی

بر فرض که رغبت عمومی در تحقق مالیت چیزی دخالت ندارد و رغبت بعض عقلاء نیز کافی است و بر این اساس، مالیت عرفی بیت کوین را ثابت بدانیم، باز هم امضای شارع و مالیت شرعی آن قابل اثبات نیست؛ از همین روی، مبادله آن شبهه شرعی دارد.^۱

پاسخ:

در مطلب اول (تحلیل مال و مالیت) تبیین کردیم مالیتی که در فقه از مقومات خرید و فروش است، مالیت عرفی است. وقتی مالیت عرفی یک شیء ثابت شد، عمومات و اطلاقات «اخل الله البیع» و «اوفوا بالعقود» کاشف از امضای شارع است. به نظر فقها بعد از تحقق مالیت عرفی، نیاز به احراز مالیت شرعی نداریم که شک در آن باعث شود برای تشخیص وظیفه شرعی در هنگام شک، به عمومات تمسک کنیم.

۳/۵. شبهه سوم: بی پشتوانه بودن رمزارزها

وقتی بخواهیم یک مال و دارایی را معامله کنیم، آن دارایی یا باید دارای ارزش ذاتی باشد که به خاطر آن مالیت یابد و قابل معامله باشد (مانند خوردنی ها) یا اینکه دارای ارزش اعتباری بوده (مانند پول) و مالیت آن نیازمند اعتبار معتبر (اعتبار دهنده) باشد؛ زیرا هیچ اعتباری بدون وجود معتبر تحقق پیدا نمی کند. واضح است که رمزارزها دارای ارزش ذاتی نیستند، بنابراین این پرسش مطرح می شود که معتبر آنها کیست؟ از طرفی این اعتبار قطعاً از ناحیه نهادهای رسمی، بانک ها یا مؤسسات مالی اعطا نشده است. شاهد این مطلب نیز آن است که هیچ نهادی در صورت بروز مشکل در این زمینه، مسئولیتی نسبت به آن نمی پذیرد و پاسخگو نیست. عرف عام را نیز - دست کم تا امروز - نمی توان به عنوان معتبر آن در نظر گرفت، به طوریکه عموم عقلاء به این ارقام و رموز اعطای اعتبار کنند. به عنوان مثال، رمزارزی مثل بیتکوین بر اساس اطلاعات موجود از آن، تاکنون هیچ شناختی از اعتبار دهنده اش وجود ندارد. رمزارزها پولی مبهم هستند؛ زیرا اساس وجود و چگونگی مالیت آن مبهم است. در نتیجه، از لحاظ مبانی فقهی و حقوقی، معامله با آن، معامله غرری است؛ زیرا اصل وجود و مالیت داشتن آن و نیز اندازه اعتبار آن و اینکه پشت این پول، اعتبار دهنده های مسئول و متعهد وجود داشته باشد، مشکوک است. «رئیس بانک مرکزی فرانسه

^۱ (نک: تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله، ۳۹؛ تحلیل فقهی - حقوقی مبادله ادرزهای قابل استخراج، ۲۰۳).

به فرانسویها هشدار داد که بیتکوین حتی یک پول مجازی هم نیست، بلکه تنها یک پول توهمی است و از آنها خواست در آن .
۴ سرمایه گذاری نکنند؛ زیرا ممکن است در هر لحظه این پول توهمی از بین برود»^۱

پاسخ:

با پذیرش این مطلب که ممکن است نهادهای مالی چنین اعتباری را به نحو فراگیر برای رمزارز در نظر نگرفته و از سوی عموم عقلاء نیز چنین اعتباری اعطا نشده باشد، اما همینکه دیده می شود در مقابل برخی از کشورها که در برابر رمزارزها موضع نفی دارند، کشورهایی قرار دارند که آن را به رسمیت شناخته اند تا جایی که برای مبادلات به وسیله رمزارزها مالیات وضع کرده و آن را به عنوان ثمن یا مژمن در مبادلات پذیرفته اند، گویای آن است که سازمان ها و مؤسساتی وجود دارند که می توان آنها را به عنوان اعتباربخش به این ارزها در نظر گرفت. بنابراین ادعای عدم اعتبار از سوی سازمان ها و مؤسسات به طور مطلق صحیح به نظر نمی رسد.

مؤید این مطلب آن است که شرکت های خصوصی می توانند این رمزارزها را ایجاد کنند مانند رمزارز تتر در سال ۲۰۱۴ توسط شرکت خصوصی Tether Limited Inc راه اندازی شده است؛ بنابراین لزومی ندارد که در این زمینه حاکمیت و حکومت خاصی ورود کرده باشد. به ویژه آنکه پیش تر گفته شد که برای احراز مالیت چیزی، وجود ارزش مبادلی آن دست کم در نزد برخی از اشخاص کفایت می کند.

بر این اساس پس چه ضرورتی دارد که معتبر، حتماً کلیه نهادهای مالی یا تمامی عقلای عالم باشند؟ بلکه معتبر می تواند جمعی از عقلا یا به تعبیر دیگر عرف خاص باشد.^۲ از همین روی، می توان اعتباربخش رمزارزها را به عنوان مثال، مجموع آن سازمان مربوطه، استخراج کنندگان و تولیدکنندگان آنها دانست؛ بدین معنی که اعتباردهنده رمز ارزها کأن یک مرگبی است که یک جزئی همان سازمان مربوطه است که این معادلات و معماها را طرح می کند و یک جزئی هم کسانی که به انحاء مختلف تلاش می کنند پاسخ این معماها را پیدا کنند؛ وقتی که این مرحله محقق می شود، آنگاه اعداد و ارقام و رمزهایی تولید می شود که از ناحیه هر دو به عنوان مال دارای ارزش شده و مالیت را به آن اعطا کرده اند و این مالیت اعتبار شده است. پس اعتبار دهنده رمز ارزها در واقع به جای اینکه اشخاص حقیقی باشند، در واقع یک سیستم است.

۴/۵. شبهه چهارم: عدم وجود ضمانت و مسئولیت قانونی

از آنجاکه دست کم یکی از مهم ترین عوامل شکلگیری رمزارزها، فرار از نظارت دولتها و دخالت آنها - که بعضاً منجر به ایجاد تورم در جامعه می شد - بوده است، رمز ارزها از تحت سیطره بانک های مرکزی و دولتها خارج اند، بنابراین نسبت به رمزارز هیچ ضمانتی در کار نیست و هیچ نهاد مالی مسئولیتی را در این زمینه نمی پذیرد، و اگر مشکلی برای رمز ارزها پیش آید، مثلاً سرقت شود، آن حسابی که این رمز ارز به آن منتقل شده قابل مسدود شدن نیست؛ یا اگر مشکلی از نظر فنی در

^۱ <https://exchaino.com>

^۲ الان مواد مخدر هم دارای ارزش است، عرف این را مال می داند و به ازاء آن پول می دهد و آن را مبادله می کند؛ ولی هیچ دولتی مواد مخدر را به عنوان مال محسوب نمی کند. اگر استفاده های دارویی نداشته باشد، همه را امحاء می کنند. پس اینکه دولتی چیزی را به عنوان مال به رسمیت نشناسد، این مانع مالیت نیست. عمده این است که عرف این را مال بدانند.

ساختار تولید و استخراج و مبادلات رمز ارز پیش آید و مثلاً بخشی از این اموال از بین برود، هیچ کسی پا سخگو نیست و همین امر، مانعی بر سر راه مالیت این ارزها به شمار می آید.

پاسخ:

این شبهه نیز مانند شبهه قبل به مسأله نامعلوم بودن معتبران رمزارزها اشاره می کند، اما علاوه بر آن، مسأله مسئولیت قانونی و ضمانت را مطرح می کند. در پاسخ باید گفت؛

اولاً معلوم نیست که دوتهتا نتوانند به هیچ شکلی در حوزه رمزارزها ورود پیدا کنند؛ چه بسا بتوانند با در نظر گرفتن تمهیداتی در جهت پیشگیری از مشکلات اشاره شده و رفع آنها تمهیداتی را بیندیشند؛ ابلاغ «الزامات انتظامی سایبری تخصصی کارگزاران مبادله رمزارز» یکی از همین تمهیدات است.^۱ تصویب کلیات طرح ساماندهی رمزارزش ها در کمیسیون اقتصادی مجلس در تاریخ ۱۳ آذر ۱۴۰۲ از دیگر اقدامات در این زمینه است.

ثانیاً چه کسی گفته است که برای اموالی که انسان به دست می آید همواره کسی باید ضمانت بدهد؟ در هیچیک از تعاریف مال که از سوی فقها بیان شده است، چنین چیزی نیامده است. همانطور که گفته شد، آنچه مورد رغبت بوده و ارزش مبادلی داشته باشد، مال محسوب می شود، اما وجود ضمانت و مسئولیت قانونی نسبت به آن دخیل در مفهوم مالیت نیست.

۵/۵. شبهه پنجم:

متخصصان درباره مالیت رمزارزها با یکدیگر اختلاف دارند؛ برخی مالیت آن را پذیرفته و برخی دیگر آن را انکار کرده اند. حال که خود متخصصان در مالیت رمز ارزها اختلاف دارند، پس باید بنا گذاشته شود که در مورد رمز ارزها توهم مالیت شده و واقعا مالیت ندارند.

پاسخ:

این شبهه نیز تام نیست؛ زیرا نظر متخصصان معیار سنجش مالیت نیست؛ معیار مالیت رمزارز، آن است که منطبق با مشخصات مالیت و تعریفی که از مال کردیم باشد.

۱ به عنوان مثال، در دی ماه سال ۱۴۰۱، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فراجا، مستندی را تحت عنوان «الزامات انتظامی سایبری تخصصی کارگزاران مبادله رمزارز» به تعدادی از مدیران سکوهای تبادل رمزارزها به صورت غیررسمی ابلاغ کرد. این الزامات در قالب ۱۴ صفحه تنظیم شده بود و شامل ۵ بند اصلی و ۴۳ بند فرعی می شد. در این مستند ابلاغی، بندهایی آمده بود که بعضاً نظارت یک نهاد پلیسی در نهاد مالی را نشان می داد. برای نمونه طبق یکی از این الزامات گفته شده که شرکتی که صرافی دارد باید تضامنی با شد. از سوی دیگر طبق همین الزامات، ارائه خدمات در حوزه رمزارز به اتباع خارجی ممنوع شده است. همچنین در این الزامات آمده که اگر پس از ارزیابی ها، بازبینی ها و تذکرات پلیس فتا، این نهاد به این نتیجه رسید که فعالیت صرافی ها سازگاری با روح این الزامات ندارند، از شاپرک خواهند خواست تا درگاه آنها را مسدود کنند. در بخش فراهم کردن امنیت برای پلتفرم های فعال در حوزه رمزارز نشانه هایی از انحصار هم دیده می شد، چرا که اعلام شده شرکت فعال در این بخش باید به صورت دوره ای و هر شش ماه یک بار نسبت به انجام تست امنیتی توسط یک شرکت ارزیاب «مورد تأیید پلیس فتا / مرکز افتا» اقدام کنند. مورد دیگر الزامات این بود که شرکت ها را ملزم می کرد کلیه اطلاعات مرتبط با سوابق معاملات و تراکنش های کاربران را حداقل به مدت ۱۰ سال و به صورت امن نگهداری کنند.

نتایج و یافته ها

از مجموع بررسی های صورت گرفته به طور مشخص چند نتیجه به دست می آید؛

- ۱- «مال»، یک عنوان عرفی-انتزاعی بوده و برای عرف مفهوم روشنی دارد. روش تشخیص مالیت چیزی، رجوع به معاوضات عرفیه و تحلیل رفتار عرف و عقلا در ارتباط با آن چیز است. تصریح برخی از لغت دانان به واضح بودن معنای مال مؤید همین مطلب و بیانگر فاصله نداشتن معنای لغوی مال با معنای اصطلاحی آن است. بنابراین، می توان گفت بسیاری از مشخصه های مطرح شده در کلام فقها برای ارائه تعریفی مناسب از مال، تکلفاتی بی مورد بوده و نیازمند اصلاح است. لذا برخی از آنان در پایان اعتراف کرده اند که تعریف مال به گونه ای جامع و مانع بسیار مشکل می نماید.
- ۲- از منظر امام خمینی ملاک مالیت هر شیئی رغبت عقلا به آن است که در واقع موجب می شود مورد معاوضه قرار گیرد. به دیگر بیان، آنچه ارزش مبادله ای داشته باشد را می توان مال دانست. از همین روی، باید گفت بازار رمز ارزها حتی با وجود محدودیت هایی که دارند، مورد رغبت جهان امروز حتی اهل دقت نظر در معاملات هستند. بنابراین رمز ارزها مالیت دارند.
- ۳- امکان ندارد شارع مالیت چیزی را ساقط کند، نهایت آنکه می تواند تنها از بعضی یا تمام آثار مترتب بر آن همچون معامله شراب نهی کند، به همین جهت برخلاف نظر برخی از فقها، منهی عنه نبودن چیزی، از مقومات مالیت آن چیز به شمار نمی رود؛ لذا بر سر راه جواز شرعی معاملات رمز ارزها موانعی همچون «اکل مال به باطل بودن آن» یا «غرری بودن معامله آن» وجود دارد - که در سه بخش حکم اولیه، ثانویه و حکومتی تبیین شد - که ارتباطی با مالیت آنها نداشته و باید در جستارهای دیگری مورد بررسی قرار گیرند.
- ۴- امروزه تمایل و رغبت جمع زیادی از عقلا به پدیده نوظهور «ارزهای رمزنگاری شده» و مشخصاً انکارناپذیر است. میلیونها نفر از مردم جهان چه با استخراج و چه با معامله به دنبال دریافت بیت کوین هستند. ارزش کنونی معاملات رمز ارزها در بازار، صدها میلیارد دلار و حجم مبادله بیت کوین ده ها میلیارد دلار است. پس بدون هیچ شکی تسابق دست کم بخشی از مردم نسبت به دریافت بیت کوین ثابت است و در نتیجه، آن را می توان یکی از مصادیق بارز مال به شمار آورد. البته مالیت داشتن رمز ارزها به معنای مشروعیت معامله آنها نیست؛ زیرا در بدو امر چنین به نظر می رسد که موانعی شرعی بر سر راه معاملات آنها وجود دارد که باید در پژوهش های مستقل دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. بجنوردی، حسن. القواعد الفقهیه. نجف: انتشارات مکتب. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۴. جزایری، سید حمید. «بررسی آراء فقها در قاعده لاضرر با تاکید بر دیدگاه حکومتی امام خمینی»، گفتمان فقه حکومتی. دوره ۶۱، ش ۵، پاییز ۹۸، ۷۱ تا ۸۹.
۵. پیمان، اخوان. ارزهای دیجیتال بیت کوین بلاک چین و مفاهیم پایه. بی جا: انتشارات وینا- آتی نگر، بی تا.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. حقوق اموال. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۸. جعفری، محمد تقی. « جایگاه تعقل و تعبد در معارف اسلامی»، مجله حوزه، دوره ۴۳، ش ۴۹، فروردین ۷۱، ۸۸ تا ۹۵.
۹. حسینی روحانی، محمدصادق. المسائل المستحدثه. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی راهیان، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۰. حکیم، سید محسن. نهج الفقاهة. قم: انتشارات ۲۲ بهمن، چاپ اول، بی تا.
۱۱. خمینی، روح الله. الرسائل. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۱۲. خمینی، روح الله. توضیح المسائل (محشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
۱۳. خمینی، روح الله، ۱۳۸۷ش، توضیح المسائل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
۱۴. خمینی، روح الله، ۱۴۱۰، الرسائل، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۵۲.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم. المستند فی شرح العروه الوثقی. بی نا، بی جا، بی تا.
۱۶. راغب أصفهانی، حسین بن محمد. مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم - الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رهبر، فرهاد. «تعریف، مفاهیم، آثار و پیامدهای پولشویی»، مجلس و راهبرد. دوره ۲۳، ش ۳۷، ۱۶ تا ۵۷.
۱۸. صدر، سید محمد باقر. اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۹. صفایی، حسین. حقوق مدنی اشخاص و اموال. تهران: میزان، بی تا.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد. کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. فیومی، أحمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قران، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۲۴. کاتوزیان ناصر ۱۳۸۶ ش اموال و مالکیت تهران سهامی انتشار
۲۵. گلپایگانی سید محمدرضا ۱۴۰۹ قمری مجمع المسائل قم دارالقرآن الکریم جلد پنجم چاپ دوم

۲۶. لنکرانی محمدفاضل ۱۴۲۶ قمری رساله توضیح المسائل غم دارالفکر چاپ چهاردهم
۲۷. محسن خردمند، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر. بحوث فقهیه هامه. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۹ ق.
۳۰. هافمن، بیت کوین به زبان ساده، ترجمه مصطفی دهقان، بی جا، انتشارات داریا، بی تا.

سایت ها

<https://khanesarmaye.com/crypto-future/#gref>.

<https://plus.irna.ir/news/84248087>

<https://www.khabaronline.ir/news/1466800>

<https://www.mehrnews.com/news/5188446>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/25/209733>

<https://plus.irna.ir/news/84248087>